



چهارشنبه، ۲۴ نوامبر ۲۰۲۱

مترجم: فریده نوری

چطور جهادیسیم در افغانستان طالبان موفق خواهد شد

نویسنده: محقق Julien Théron

تاریخ نشر: ماه نوامبر ۲۰۲۱

دوباره به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان توسط جهادیسیت های جهان تجلیل گردید. به قرار ارزیابی و انعکاس افکار یک گروه در انستیتوت Middle East در واشنگتن نشان می دهد، که موفقیت طالبان نشان دهنده "پیروزی بزرگ" برای گروه های جهادیسیت دیگر مانند القاعده و دولت اسلامی میباشد. مسکو، پیکن، دهلی نو و حتی اسلام آباد عمیقاً از اوضاع امنیتی در افغانستان نگران هستند.

به دلیل: ارتباطات طالبان همراهی القاعده که هیچ زمانی قطع نشده است، و همچنان مبارزه شان با دولت اسلامی بسیار روشن نیست، یک تعداد گروه های دیگر جهادیسیت منطوقی می توانند بالای این موفقیت سرمایه گذاری کنند. همچنین پیوند پاکستان و طالبان یک پیوند خطرناک می باشند.

القاعده:

اخيراً القاعده اعلام نمود که گرفتن قدرت توسط طالبان نشان دهنده ثبوتی می باشد که «راه جهاد یگانه راهیست که به موفقیت می انجامد».

طالب های افغان همراه القاعده همیشه یک ارتباط فعال در تمام مناطق، افغانستان و پاکستان دارند. قرار یکه سخنگوی طالبان زبیح الله مجاهد در این اواخر دست داشتن اسامه بن لادن را در حوادث یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ رد نمود، که این خودش نزدیکی این دو گروه را نشان می دهد. متخصصین منطقه فکر می کنند که طالبان نو به قدرت رسیده، حمایت خود را به صورت مخفی به القاعده دوام می دهند.

لاکن طالبان شاید از حضور القاعده مانند داشتن یک شانس یا یک برگه برای استحکام بخشیدن به موقف خود علیه دولت اسلامی و همچنان از آن به حیث یک وسیله شانتاژ یا تهدید بالای صحنه منطوقی و بین المللی استعمال خواهند کرد. به این ترتیب با تمرین فشار از نظر امنیتی بالای کشور های مختلف جلب کمک بین المللی را که به آن بسیار زیاد ضرورت دارند به دست می آورند.

دولت اسلامی:

طالبان تأیید نمودند که می توانند سلول های تروریستی دولت اسلامی را در کشور کنترل کنند. مگر آیا خواهند توانست؟ و یا خواهند کرد؟

حضور سلول های فعال دولت اسلامی در کابل و در قندهار نشان دهنده ظرفیت این تشکیل بوده و همچنان نشان می دهد که می توانند در یک کشور دور از منطقه اصلی شان، با وجود مخالفت طالبان عمل می کنند.

حمله به تاریخ بیست و ششم آگست علیه میدان هوایی کابل که سبب کشته شدن ۱۸۲ نفر گردید، نمایندگی از داشتن ظرفیت شان می نماید. حملات تروریستی دولت اسلامی بعد از خروج امریکایی ها در کابل، قندوز و همچنین قندهار ادامه دارد. دولت اسلامی در ولایت ننگرهار و کنر که در سرحد پاکستان در مناطق قبایلی وزیرستان قرار دارند نیز بسیار فعال می باشند.

این مناطق لانه جهادیسیم، قاچاق مواد مخدر و قاچاق اسلحه می باشد و همچنان همین مناطق در موفقیت طالبان سهیم می باشند. دولت اسلامی در ولایت بلوچستان پاکستان نیز حضور دارند.

هدف دولت اسلامی این است که طالبان را از قدرت انداخته و جاگزین آن ها در افغانستان شوند و برای خود یک مکان نو بسازند. برای این کار از همان تکنیک های که طالبان مدت طولانی علیه امریکا استفاده می کردند، استفاده می کنند. مبارزان قبلی اردوی ملی افغانستان که از طرف طالبان رانده شدند شاید بکوشند که با قوای دولت اسلامی بپیوندند.

این پروسه قبلاً در عراق نیز به وقوع پیوست که اردوی ملی عراق و ملیشه های سنی مذهب که همه شان از وظایف شان سبک دوش شدند، القاعده و دولت اسلامی را متجلی ساختند.

طالبان پیرو مکتب اسلام دیوبندی که منشاء آن هند می باشد هستند، در حالیکه دولت اسلامی سنی می باشد، و از نظر ستراتیژیکی رقیب هم دیگر اند، اما از نظر ایدیولوژیکی با هم هماهنگی دارند.

هر دو گروه توسط شبکه های بین البینی با هم تماس دارند و هر دو گروه عین دشمنان را دارند و به صورت غیر مستقیم توسط شبکه حقانی در تماس اند.

مسئول تعداد زیاد حملات در افغانستان مانند «استفاده از اعدام در محضر عام، همچنین نشر ویدیو هایی از قتل های وحشیانه» اند، شبکه حقانی، شبکه ارتباطی بین طالبان و القاعده و نیز بین طالبان و دولت اسلامی می باشد. رهبر شبکه حقانی سراج الدین حقانی به حیث وزیر امور داخله نامیده شد.

اگر طالبان ستراتیژی همکاری همراهی قدرت های خارجی علیه دولت اسلامی را انتخاب نماید، به حیث رهبران ضعیف و همکار دشمن تلقی خواهند گردید.

در دنیای جهادپرست ها، همکاری طالبان با دشمن مساوی به بد نامی و بی آبرویی نهایی گردیده و به سربازگیری و تأمین سرمایه برای فعالیت های دولت اسلامی کمک می نماید.

بر عکس اگر طالبان انتخاب کنند که به دولت اسلامی خود را نزدیک سازند تا از حملات بالای خاک شان جلوگیری شود، در این صورت در عین موقف که در سال ۲۰۰۱ با القاعده داشتند، قرار می گیرند.

گروه های دیگر در منطقه:

وضعیت فعلی افغانستان، مستقر ساختن تشکیلات سنی های بنیادگرا را در پاکستان مساعد می سازد. تحریک طالبان پاکستان (TTP)، که آن ها تحت نام طالب های پاکستانی نیز شناخته می شوند، یکی از این تشکیلات می باشد. اخیراً یک قسمت از تشکیل تروریستی به نام لشکر جنگوی (Lashkar e - Janghvi) و همچنان گروه حزب - ال - احرار (Hizb ul- Ahrar) که تعداد زیاد حملات را در سال ۲۰۱۹ سبب گردید، گروه حکیم الله محسود که یک سلول بسیار فعال در منطقه قبایلی می باشد و با القاعده ارتباط دارد و بالاخره جماعت - ال - احرار (Jamaat -ul- Ahrar) که قبلاً با دولت اسلامی ارتباط داشت، را به خود جذب نمود. به این ترتیب طالبان پاکستانی قوای القاعده و هم قوای دولت اسلامی را با هم جمع نموده است.

در آسیای مرکزی تحریک اسلامی ازبکستان یک تعداد شان با طالبان افغان و یک تعداد دیگر شان با دولت اسلامی پیوستند. آن ها یی که با طالبان افغان یکجا شدند از افغانستان به حیث پایگاه عقبی برای تدارک نمودن حملات خود در منطقه استفاده خواهند کرد.

بالاخره حزب اسلامیک ترکمنستان که از منطقه سین کیانگ چین تا به ولایت ایدلب (Idleb) در سوریه وسعت دارد، می تواند تحت رژیم نو در افغانستان به صورت کم و بیش مخفیانه رونق بگیرد، و از این محور یا مرکز، در بین آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و شرق میانه استفاده نماید.

دوباره به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان یک شکست و ناکامی ستراتیژیک مسلم و قطعی است، همچنین یک ناکامی و شکست پر طمطراق برای ضد تروریسم می باشد.

در قلب آسیا، گروپ های جهادست های منطقوی و بین المللی دارنده یک پلت فورم نو می باشند، اما جامعه جهانی هیچ راه حلی برای پیش بینی و نتایج ناشی از این تهدید نو امنیتی به دست ندارد.